

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

معنای صور:

رسیدیم به بحث نفخ صور و آیه شریفه 68 از سوره مبارکه زمر را خواندیم (وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ) چند بحث را مطرح کردیم که یک بحث این بود که آیا صور در اینجا به این معناست که واقعاً اسرافیل از آسمان نازل می‌شود و یک شیپور بسیار بزرگی که در بعضی از روایات هم دارد یک سمت آن به سوی آسمان است و سمت دیگر به سوی زمین، در این می‌دمد و یا اینکه عنوان کنایی را دارد، این چنین نیست که یک شیپور کبیری باشد ولو در بعضی از روایات تعبیر «إِنَّ الصُّورَ قَرْنٌ عَظِيمٌ لَهُ رَأْسٌ وَاحِدٌ»^[1] که در جلسه‌ی گذشته خواندیم، اما اینها هم برای تبیین مطلب بوده. برای اینکه این معنا معنای کنایی است گفتیم اولاً در بعضی از روایات از این صور تعبیر شده به قرن من نور، که این یک مقداری نزدیک می‌کند این معنا را که خود صور یک چیز ظاهری مادی نیست که بخواهند در آن بدمند، این عنوان کنایی را دارد، این یک قرینه. قرینه‌ی دوم این است که در برخی از آیات دیگر به جای مسئله‌ی نفخ صور تعبیر به نُقِرَ فِي النَّاقُورِ شده، در سوره مدثر آیه هشتم (فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ) ناقور چیست؟ ناقور از ماده نقر است، نقر یک کوبیدنی که منجر به سوراخ شدن بشود، تعبیر به نقر می‌شود، حالا کلمات عرب یکی از خصوصیات الفاظش این است که بعضی از الفاظ به حسب ظاهر مثل هم و نزدیک بهم هستند، نقر به تونل و سوراخ بزرگ می‌گویند، نقر در جایی است که یک چیزی را می‌کوبند و سوراخی در آن ایجاد می‌شود. در پرده که می‌گویند منقار دارد چون پرده با نوکش به دانه می‌زند و آن را سوراخ می‌کند لذا از آن تعبیر به منقار می‌شود، (فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ) هنگامی که در ناقور کوبیده می‌شود، یعنی یک صدایی ایجاد می‌شود، صدایی ایجاد می‌شود که حالا مثلاً بگوئیم گوش هر انسانی سوراخ می‌شود، یعنی اینقدر این صدا شدید است و اینقدر این صدا وحشتناک است که پرده‌ی گوشها پاره می‌شود، این «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ» به صورت مجهول آمده، این هم کنایه است. یعنی وقتی که آن صدای مهیب که یکی از علائم روز قیامت همین نفخ است که بعد بحث می‌کنیم که آیا دو نفخ است یا چهار نفخ؟ این صدای مهیب منظور از نفخ صور است، هم نفخ صور اول و هم نفخ صور دوم. پس این هم قرینه‌ی دوم است، إذا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ، ناقور همان شیپوری است که صدایی در آن دمیده می‌شود ولی منظور این نیست که واقعاً یک شیپور ظاهری باشد.

از اینها بهتر برای قرینه، این آیاتی است که از نفخ صور تعبیر به صیحه کرده (مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ) در سوره مبارکه یس آیه 49 می‌فرماید اینها نگاه نمی‌کنند و منتظر نمی‌شوند مگر یک صیحه‌ی واحده‌ای را، یعنی آنچه که دفعته با آن مواجه می‌شوند و بغه، یک صیحه‌ی واحده است که همه‌شان از بین می‌روند، و هم یخصمون که دارد وقتی این نفخ صور اول می‌آید مردم مشغول کار هستند، مردم مشغول امور کسب و تجارت و امور عادی خودشان هستند در بازارها مشغول تجارتند اما نفخ صور می‌آید و همان جا از بین می‌روند، دیگر مهلت داده نمی‌شود که حتی اینها به منزلشان برسند یا به

جایی برسند. حالا شاهد این است که از همان نفخ صور تعبیر به صیحه شده. معلوم می‌شود آنچه که هست یک صدای مهیب است، شاید بشود از فرمایش مرحوم علامه رضوان الله تعالی علیه همین معنایی که ما داریم عرض می‌کنیم استفاده شود، یعنی شیپور ظاهری و این چیزها در میان نیست این کنایه از یک صدای خیلی مهیب است. علامه در المیزان می‌فرماید قوله تعالی: (وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَرَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوَّهٍ دَاخِرِينَ) النفخ في الصور کنایه عن إعلام الجماعة الکثیرین کالعسکر بما یجب علیهم أن یعملوا به جمعا کالحضور و الارتحال و غیر ذلك...^[2] این نفخ صور اعلام به یک جماعت زیاد مثل یک لشکر است که کاری که می‌خواهند انجام بدهند با این وسیله اینها را خبردار می‌کنند، نفخ صور کنایه از این است. منتهی خدای تبارک و تعالی در قرآن برای اینکه این را برای مخاطبین و مردم روشن بیان کند و مردم بفهمند، چه مردم پابرهنهی عرب جاهلی و چه متممّین در آخر الزمان، از این تعبیر استفاده کرده، فإذا نفخ فی الصور. مرحوم علامه هم می‌فرماید این کنایه از اعلام است.

بعضی‌ها می‌گویند الصور قرن کالبوق،^[3] مثل بوق می‌ماند ینفخ فیه و به همین نحو اکتفا کردند و عدول کردند که ظاهرش را اخذ کردند، بعضی از همین تفاسیر موجود در زمان ما هم همینطور است، مخصوصاً آن روایتی که از امام سجاد(ع) است که صور را به همان قرن عظیم تعبیر کرده،^[4] اینها هم بر همان ظاهرش گرفتند، اما به نظر ما با این قرائن که عرض کردیم یکی: آن کلمه‌ی نور و یکی: کلمه‌ی نقر فی الناقور، یکی: ما ی نظرون إلا صیحة، اینها قرینه‌ی خوبی می‌شود برای اینکه عنوان کنایی را دارد. این نکته را در بعضی از تفاسیر فارسی ذکر کردند که یکی از اشکالاتی که قدیم می‌کردند می‌گفتند صدا با نور از نظر سرعت سیر خیلی تفاوت دارد، سرعت سیر نور یک میلیون برابر سرعت امواج و صوت است و خدای تبارک و تعالی چرا از این تعبیر به صدا استفاده کرده؟ با همین بیانی که ما عرض می‌کنیم جواب این اشکال هم داده می‌شود و این نیست که ما بگوئیم آن صدا و این امواج صوتی دنیا قابل مقایسه نیست بلکه آن صدا سرعتش از نور هم بیشتر است. به عبارت دیگر هم خود شیپور و صور و ناقور کنایه است و هم خود صوت و صدای آن کنایه است، یعنی آن صوت مثل این صوت معمولی نیست، کنایه از این است که یک اعلام مهیبی در عالم واقع می‌شود که در یک آن من فی السموات و من فی الأرض متوجه می‌شوند، اینطور نیست که تدریجی باشد، امروز برای زمین باشد و فردا برای آسمان باشد! در یک آن همه متوجه این صدا می‌شوند.

صوتش هم اینطور نیست که بگوئیم از قبیل همین صوت دنیوی است، نه یک حادثه‌ی مهیبی واقع می‌شود، همه متوجه می‌شوند که قیامت می‌خواهد فرا برسد، حالا باز از نوع صوت باشد یا قویتر از صوت و همین امور معمولی که الآن داریم، نمی‌توانیم اینها را بفهمیم جزئیاتش را.

همین جا این نکته را عرض کنم که مرحوم مجلسی رضوان الله علیه در همین جلد ششم بحار در آخر جلد ششم می‌فرماید أما الصور فیجب الایمان به علی ما ورد فی النصوص الصریحه...^[5] یکی از چیزهایی که انسان مسلمان باید به آن اعتقاد داشته باشد مسئله‌ی نفخ صور است، ایمان به او باید داشته باشد، یعنی همانطوری که ما ایمان به اصل قیامت داریم ایمان به نفخ صور هم باید داشته باشیم، انکار نفخ صور مثل یک انکار ضروری می‌ماند اگر کسی بگوید نفخ صوری نخواهد بود! این اثار برایش بار است ولو اینکه من در اعتقادات مرحوم صدوق نگاه می‌کردم آنجا جزء اعتقادات، مسئله‌ی نفخ صور را ایشان بیان نکرده، اما مرحوم مجلسی این تعبیر را دارد و حق هم با مرحوم مجلسی است، اگر ما گفتیم که آن آیات شریفه‌ای که مسئله‌ی ایمان را می‌گوید ایمان به آنچه که بر پیامبر نازل شده، این هم جزء شرایط ایمان است، اگر یک کسی نفخ صور را نپذیرد ایمانش مشکل پیدا می‌کند برای اینکه یکی از مواردی که انزل الله علی قلب الرسول صلوات الله علیه همین است و در قرآن کریم هم آمده و انکارش انکار ما جاء فی القرآن است، لذا این باید جزء اعتقادات انسان باشد، اعتقاد به اینکه یک زمانی نفخ صور واقع می‌شود، یعنی در باب رجعتش رجعت را اگر کسی منکر بشود، آیا این ایمان و اسلامش مشکل پیدا می‌کند یا خیر؟ آنجا مطالب مختلفی می‌گویند، اما ظاهراً در نفخ صور نباید اختلافی باشد، نفخ صور بسیار مهم‌تر از مسئله‌ی رجعت است، یعنی ممکن است یک فقیهی بگوید ایمان به نفخ صور لازم است و از ضروریات است اما ایمان به رجعت ضروری نیست به عنوان ضروری آن را تلقی نکند، ما از این آیاتی که در مورد نفخ صور در قرآن کریم داریم می‌توانیم بگوئیم نفخ صور از ضروریاتی است که در دین

وجود دارد و مرحوم مجلسی هم به این تصریح کردند اما عرض کردم در اعتقادات مرحوم صدوق تعجب این است که اصلاً صحبتی از مسئله‌ی نفخ صور نشده، مرحوم مجلسی می‌فرمایند روایات صریحه‌ای هم داریم که دلالت بر این دارد که ایمان به نفخ صور هم واجب است.

بعضی‌ها این صور را گفتند صور جمع صورت است نفخ فی الصور یعنی در صور دمیده می‌شود و طبری در مجمع البیان می‌فرماید و قيل هو جمع صورة فإن الله سبحانه يصور الخلق في القبور كما صورهم في أرحام الأمهات قيل هو جمع الصورة فإن الله يصور الخلق في القبور كما صورهم في أرحام الأمهات، خدای تبارک و تعالی در عالم برزخ یک تصویر و غالبی را برای این ارواح درست می‌کند، همانطوری که در ارحام امهات یک تصویر را برایتان درست کرده، ثم ینفخ فیهم...^[6] در ارحام امهات خداوند همانطوری که دمید در همین صوری که برای ارواح در عالم برزخ درست می‌کند در همین‌ها می‌دمد که در نتیجه نفخ صور یعنی نفخ آن صور غالبیه‌ی مثالیه، همان که تعبیر می‌کنند به غالب مثالی در عالم برزخ. این احتمال خیلی باطلی است برخلاف آیات قرآن کریم است اگر ما بخواهیم نفخ صور را اینطور معنا کنیم فقط منحصر به نفخ صور دوم می‌شود که همان نفخ اماته است در حالی که ما طبق صریح آیه‌ی سوره‌ی زمر نفخ صور اول داریم و آن به همین ابدان مادی دنیوی است و در همین عالم تعلق پیدا می‌کند، لذا این احتمال هم درست نیست. پس نتیجه این شد صور و ناقور مراد معنای ظاهری آن نیست، مراد صورت و غالب مثالی در عالم برزخ هم نیست، پس یک معنای کنایی دارد. یک صدای مهیبی واقع می‌شود.

حالا ما یک مطلبی را قبلاً در یوم تبدل الأرض غیر الأرض بیان کردیم و گفتیم این آیه شریفه اجمالی است از حوادث دیگر، یعنی (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَ إِذَا الْجِبَالُ سِيرَتْ... وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ)^[7] آنچه می‌خواهد اتفاق بیفتد در همین یوم تبدل الأرض به نحو اجمال بیان شده.

حالا سؤال این است که در قرآن کریم داریم (يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ)^[8] راجفه آن زلزله سخت است، روزی که آن زلزله سخت همه جا را می‌لرزاند و زلزله‌ی دوم رادفه است که همه را از خاک بیرون می‌آورد و برای حساب و کتاب ردیف می‌کند. این را هم قرینه بگیریم بر اینکه این زلزله و آن صدا همه در یک زمان واقع می‌شود یعنی در یک زمان هم زلزله مهیب می‌آید و هم آن صدای وحشتناک می‌آید، نمی‌خواهیم بگوئیم پس بیائیم نتیجه بگیریم که آن نُفَخَ با این راجفه یکی می‌شود، نه ولی نتیجه می‌گیریم دو زمان نیست، یعنی زمان نفخ صور با زمان راجفه یک زمان است، اینها مقارن هم واقع نمی‌شود. ترجف الراجفه، تتبعها الرادفه، زمان نفخ صور دوم هم یک زلزله‌ی دومی واقع می‌شود، اینها را باید مقارن با یکدیگر قرار داد. پس تا اینجا راجع به خود نفخ صور بود.

تعدد نفخ:

مطلب دیگر این است که آیا ما دو نفخ داریم یا سه تا داریم یا چهار تا؟ بعضی از اهل سنت گفته‌اند سه تا داریم یک نفخه‌ی فزع داریم و یک نفخه‌ی صعق داریم و یک نفخه‌ی اماته‌ی احیا داریم و بعضی یک نفخه‌ی چهارم هم اضافه کردند که نفخه‌ی حضور است. در سوره‌ی نحل آیه 87 (وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ) ، در سوره زمر داشت «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»^[9] آنجا دارد (وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَ كُلُّ أَتَّوَهُ دَاخِرِينَ)^[10] فزع به معنای ترسیدن است، فزع به معنای وحشت و ترس است! بعضی‌ها بر حسب ظاهر این آیه شریفه گفته‌اند ما یک نفخه‌ی فزع داریم این اول می‌آید و بعد (وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ) که به معنای موت و نفخه‌ی اماته است، بعد از نفخه‌ی احیاء است، (ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ)، از این نفخه‌ی احیا به نفخه‌ی قیام هم تعبیر می‌کنند و در همین آیه 53 از سوره یاسین دارد (إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ) این را تعبیر به نفخه‌ی حضور می‌کنند. این نفخه حضور که مسلم قابل جواب است برای اینکه «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً»

يعني با همان صیحه‌ای که برای احیاء است اینها حاضر می‌شوند (فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ) یعنی نفخه‌ای برای حضور نیست، اما ولو اینکه غالب بزرگان و مفسران امامیه گفته‌اند ما دو نفخه‌ی صور داریم اما به نظر می‌رسد این فزع یک نفخه‌ی دیگری باید باشد. آیه سوره‌ی زمر می‌فرماید (و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى)، آقایانی که می‌گویند ما دو نفخه داریم استدلالشان فقط به همین آیه است، یعنی آیه می‌فرماید یک نفخه‌ی صعق داریم ثم نفخ فی أُخری پس ما بیشتر از دو تا نفخ نباید داشته باشیم، دو تا نفخه بیشتر نباید داشته باشیم حالا سؤال این است که آیا واقعاً این آیه شریفه نفخ و مجموع نفخ را منحصر به این دو تا می‌کند؟ و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الأرض این یکی است، بعد از این نفخ أُخری؛ این أُخری به این معنا نیست که نفخ نفخهٔ ثانیه، اگر ما أُخری را به ثانیه معنا کنیم مدعای اینها درست می‌شود که ما دو نفخه بیشتر نداریم، اما أُخری یعنی بعد از آن نفخه‌ی قبلی، این منافاتی ندارد که خود نفخه‌ی صعق هم یک نفخه‌ای باشد که بعد از نفخه‌ی فزع باشد، (و یَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ)، یک صدای مهیبی اول بیاید همه را بترساند و بعد صدای دومی بیاید همه از بین بروند. در بعضی روایات دارد وقتی می‌خواهد آن صدای دوم بیاید مردم منتظر آن صدای دوم هم هستند، این قرینه می‌شود بر اینکه این نفخه‌ی فزع قبلاً بوده و یک صدای عجیبی می‌آید فزع به وجود می‌آید. فزع را اگر به معنای مُردن بگیریم این با همان صعق یک معنا پیدا می‌کند، بگوئیم وحشتی که به دنبال او مُردن است ولی ظاهر لغات و کتب لغت فزع به معنای مُردن نیست، مثلاً درباره روز قیامت داریم و هم من فزع یومئذ آمنون، هستند اما نمی‌ترسند، عده‌ی دیگری می‌ترسند، فزع وحشت است. لذا به نظر می‌رسد این سه تا نفخ از ظاهر آیات شریفه قابل استفاده باشد، چرا؟ چون کلمه‌ی أُخری به چه دلیل به معنای ثانیه است، أُخری یعنی بعد از آن نفخه‌ی قبل، نفخه‌ی قبل می‌شود نفخه‌ی بعدش که نفخه‌ی أُخری است. اینطور نیست که بگوئیم این أُخری یعنی ثانیه و نفخه‌ی دوم. اگر نفخه‌ی دوم باشد این قول آقایان ثابت می‌شود لذا از این هم می‌شود استفاده کرد که ما سه تا نفخه داریم ولو اینکه کثیری از بزرگان و مفسران امامیه روی همان دو نفخه هستند، روایات هم ظهور در این دارد، حالا اگر این روایت معتبری باشد ما تبعیت می‌کنیم ولی ما باشیم و آیات شریفه‌ی قرآن از آن سه تا نفخه استفاده می‌شود، نفخه‌ی فزع، نفخه‌ی صعق و نفخه‌ی قیام. خداوند همه‌مان را برای روز قیامت از همه‌ی مشکلاتش محفوظ و مصون بفرماید ان شاء الله.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

- [1] - إرشادالقلوب ج : 1 ص : 53-56: و قد روى الثقة عن زين العابدين ع أن الصور قرن عظيم له رأس واحد....
- [2] - الميزان، ج15، ص400.
- [3] - روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج 10، ص240: و ذکر البخاری عن مجاهد أنه كالقوق.
- [4] - إرشادالقلوب ج : 1 ص : 53-56: و قد روى الثقة عن زين العابدين ع أن الصور قرن عظيم له رأس واحد و طرفان و بین الطرف الأسفل الذي يلي الأرض إلى الطرف الأعلى الذي يلي السماء مثل ما بین تخوم الأرضين السابعة إلى فوق السماء السابعة ... إرشادالقلوب ج : 1 ص : 53-56
- [5] - بحار الانوار ج6، ص336: و أما الصور فيجب الإيمان به على ما ورد في النصوص الصريحة و تأويله بأنه جمع للصورة كما مر من الطبرسي و قد سبقه الشيخ المفيد رحمه الله فهو خروج عن ظواهر الآيات بل صريحها إذ لا يتأتى ذلك في النفخة الأولى و يأبى عنه أيضا توحيد الضمير في قوله تعالى ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى و إطرار للنصوص الصحيحة الصريحة من غير حاجة و قد قال سيد الساجدين صلوات الله عليه في الدعاء الثالث من الصحيفة الكاملة و إسرائيل صاحب الصور الشاخص الذي ينتظر منك الإذن و حلول الأمر فينبه بالنفخة صرعى رهائن القبور.
- [6] - و قبل هو جمع صورة فإن الله سبحانه يصور الخلق في القبور كما صورهم في أرحام الأمهات ثم ينفخ فيهم الأرواح كما نفخ و هم في أرحام أمهاتهم عن الحسن و أبي عبيدة و قيل إنه ينفخ إسرائيل في الصور ثلاث نفخات فالنفخة الأولى نفخة الفزع و الثانية نفخة الصعق التي يصعق من في السماوات و الأرض... طبرس، مجمع البيان، ج6، ص767
- [7] - التكوير/ 3-1 و5.

[8] - نازاعات/6 و7.

[9] - زمر/68.

[10] - نمل/87.